

بررسی ضمانت اجرای کیفری در نظام حقوق خانواده

میثم داودآبادی فراهانی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۱۳

چکیده

در این مقاله به بررسی موضوع ضمانت اجرای کیفری در نظام حقوق خانواده با دو رویکرد کلی پرداخته شده است. رویکرد اول؛ بررسی اصل موضوع با این مضمون که آیا قانونگذار اساساً برای عدم انجام تکالیف خانوادگی مجازاتی در نظر گرفته است و به بیان دیگر برای آن عنوان مجرمانه تعیین کرده است یا خیر؟ و رویکرد دوم و در صورت مثبت بودن پاسخ؛ بررسی و تبیین حقوقی عناوین مجرمانه مد نظر قانونگذار در این رابطه بوده است. البته این پژوهش، یک پژوهش در حوزه حقوق کیفری بوده و به هیچ عنوان نگاه جرم شناسانه به موضوع نشده است؛ به این معنا که نگارنده در این تحقیق به دنبال چرایی موضوعات مطرح شده نبوده و به درستی و نادرستی موضوعات مطرح شده در قانون و دلایل آن و موضوعاتی از این قبیل نپرداخته است. ضمناً بررسی عناوین مجرمانه در این مقاله به صورت اجمال، مختصر و مفید صورت پذیرفته است و بدیهی است بررسی مفصل و گسترده هر یک از موضوعات مطرح شده، مستلزم نگارش مقاله ای مجزا و مستقل خواهد بود.

در این پژوهش ابتدا خواهیم دید که مطابق کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ و همچنین قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، قانونگذار برای عدم انجام تکالیف خانوادگی، واکنش کیفری در نظر گرفته است و سپس هر یک از عناوین جزایی مورد نظر قانونگذار مورد دقت و بررسی قرار گرفته است. البته عمده مبحث، برگرفته از قانون حمایت خانواده است که این قانون، برخی مواد قانون مجازات اسلامی - که مستقیماً با موضوع مورد بحث در ارتباط بوده است - را به صورت صریح نسخ نموده است.

واژگان کلیدی: ضمانت اجرا، حقوق خانواده، مجازات، خانواده، جرم.

مقدمه

وقتی صحبت از خانواده و این نهاد اجتماعی به میان می آید در نازل ترین حالت ممکن وجود یک رابطه دو نفره (مرد و زن) که با طی تشریفات قانونی و یا شرعی منجر به نکاح (ازدواج) شده است تصور می شود و یا در نوع تکامل یافته تر زن و شوهری را می شود تصور کرد که دارای فرزند یا فرزندان هم باشند. بنابراین وقتی می گوییم خانواده؛ مراد و منظور ما یا یک خانواده دو نفره متشکل از زن و شوهر است و یا خانواده ای متشکل از زن و شوهر و فرزند. البته موارد دیگری هم ممکن است مشمول عنوان خانواده باشند لیکن در این تحقیق ما به دنبال تعیین مصادیق خانواده نیستیم و بنابراین از این بحث، به همین شکل گذرا عبور می کنیم.

قانونگذار هنگامی که یک فرد قصد تشکیل خانواده دارد و یا پس از تشکیل آن، حقوق و تکالیفی را برای طرفین عقد نکاح پیش بینی کرده است. و همچنین در صورتی که زن و شوهری دارای فرزند شوند، حقوق و تکالیفی را در رابطه با فرزند مشترک برای آنها وضع کرده است. به عنوان مثال پدر یک خانواده موظف به تامین نیازهای اعضای آن خانواده است؛ مثل تامین خوراک، پوشاک، مسکن و ... که قانونگذار ما در ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی به تبعیت از شرع اسلام آن را نفقه نام گذاری کرده است. مقنن حتی در مورد زن و شوهری که قصد طلاق و جدایی از یکدیگر را دارند و یا پس از جدایی هم قواعدی را وضع نموده و آنها را مکلف به اجرای این قواعد نموده است.

ضمانت اجرای قواعد و مقررات قانونی گاهی صرفاً جنبه حقوقی دارد و گاهی اهمیت اجرای این قواعد به گونه ای است که با واکنش کیفری و وضع ضمانت اجراهای کیفری از سوی قانونگذار مواجه می شود. اینکه وضع قواعد کیفری در رابطه با عدم اجرای قواعد حقوق خانواده صحیح است یا خیر خارج از بحث نگارنده بوده و قصد نداریم در این مقاله به این موضوع بپردازیم لیکن می تواند موضوع جالب توجه محققان این حوزه باشد. بنابراین در تحقیق حاضر، نگارنده صرفاً به بررسی و بیان ضمانت اجراهای کیفری مفروض و مرتبط به نظام حقوق خانواده خواهد پرداخت.

در این پژوهش عمدتاً قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ را مورد بررسی قرار خواهیم داد و اولاً خواهیم دید که آیا قانونگذار در این قانون برای عدم اجرای قواعد حقوق خانواده، واکنش کیفری خاصی پیش بینی نموده است و یا خیر؟ و ثانیاً در صورت پیش بینی ضمانت اجرا و یا ضمانت اجراهای خاص، به بررسی و بیان آنها خواهیم پرداخت.

مبحث اول

بررسی اصل موضوع

منظور و مراد از بررسی اصل موضوع آن است که ببینیم آیا در قوانین و مقررات موضوعه در خصوص پیش بینی ضمانت اجرای کیفری در نظام حقوق خانواده و در رابطه با امور خانوادگی اقدامی از سوی قانونگذار صورت پذیرفته است یا خیر؟ به بیان دیگر آیا قانونگذار در رابطه با مسائل خانوادگی و در جهت اجرای قواعد آن، واکنش کیفری خاصی پیش بینی کرده است؟ با یک نظر اجمالی و بررسی سطحی قوانین به سادگی می توان دریافت که قانونگذار مطابق مواد ۶۴۱ تا ۶۴۷ کتاب پنجم از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ و همچنین فصل هفتم از قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ به پیش بینی ضمانت اجرای کیفری در امور و مسائل مرتبط با امور خانوادگی پرداخته است. لازم به ذکر است که مطابق بند ۹ ماده ۵۸ قانون حمایت خانواده، مواد ۶۴۲، ۶۴۵ و ۶۴۶ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی صراحتاً نسخ گردیده است؛ بنابراین باقی مانده مواد مذکور در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی و همچنین فصل هفتم قانون حمایت خانواده مبین عناوین جزایی مرتبط با حقوق خانواده و مجازات های مقرر در این رابطه خواهد بود.

بار دیگر لازم به تذکر می دانم که تحقیق حاضر فارغ از نگاه جرم شناسانه به موضوع است و فارغ از این رویکرد که نگاه مقنن به موضوع پیش بینی ضمانت اجرای کیفری در رابطه با مسائل حقوق خانواده تا چه اندازه صحیح است و یا با چه ایرادات و اشکالاتی مواجه است؟ در این پژوهش فقط با دیدگاه حقوق کیفری عناوین مجرمانه حقوق خانواده که مد نظر قانونگذار بوده است را مورد بررسی و واکاوی قرار می دهیم.

مبحث دوم

عناوین جزایی موضوع کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی

الف- تزویج زن شوهردار

اولین عنوان جزایی که در این پژوهش به آن اشاره می شود تزویج زن شوهردار است؛ قانونگذار برای کسی که زنی را که در علقه زوجیت دیگری است به عقد مردی دیگر درآورد مجازات در نظر گرفته و این اقدام را واجد وصف جزایی دانسته است و آن را شامل سردفتر ازدواج و طلاق، سردفتر اسناد رسمی و همچنین غیر آنها دانسته است. نکته قابل تامل آنکه مجازات سردفتر و غیر سردفتر در این مورد تفاوتی ندارد و مجازات اضافی پیش بینی شده در قسمت اخیر ماده ۶۴۳ قانون مجازات اسلامی به جهت وجود خصوصیت در سردفتر و عدم آن در غیر سردفتر است؛ به بیان دیگر غیر سردفتر، سمت و جایگاه رسمی در این رابطه نداشته است که از انجام عملیات مربوط به آن سمت، ممنوع گردد. بنابراین اولین عنوان جزایی، تزویج زن شوهردار است که مطابق ماده ۶۴۳ قانون فوق الذکر به شرح ذیل در قوانین مدون، مقرر گردیده است.

ماده ۶۴۳- هر گاه کسی عالماً زن شوهردار یا زنی را که در عده دیگری است برای مردی عقد نماید به حبس از شش ماه تا سه سال یا از سه میلیون تا هجده میلیون ریال جزای نقدی و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم میشود و اگر دارای دفتر ازدواج و طلاق یا اسناد رسمی باشد برای همیشه از تصدی دفتر ممنوع خواهد گردید.

ب- ازدواج زن شوهردار با دیگری

زنی که در علقه زوجیت مردی است، چنانچه با مرد دیگری ازدواج نماید و خود را به عقد او درآورد بدون آنکه هیچ فعل اضافه انجام دهد مرتکب عمل مجرمانه ای شده ای است که قانونگذار در بند ۱ ماده ۶۴۴ قانون مجازات اسلامی، آن را جرم انگاری کرده است. بدیهی است سایر رفتارهای مجرمانه این فرد (زن) که می تواند مشمول عنوان زنا محصنه و یا موارد دیگر باشد، مستقل از وصف مجرمانه مقرر در این ماده است.

ج- ازدواج با زن شوهردار

ازدواج با زن شوهر دار عنوان جزایی فردی است که مطابق بند ۲ ماده ۶۴۴ زنی را که در علقه زوجیت دیگری است به عقد خود درآورد. این عنوان مجرمانه و همچنین عنوان مجرمانه سابق الذکر هم شامل مردی است که دارای همسر باشد و هم شامل مردی است که فاقد همسر است؛ هم شامل عقد دائم می شود و هم عقد موقت؛ بنابراین چنانچه مرد مجردی زن شوهردار را به عقد موقت خود درآورد هم مشمول حکم این ماده خواهد بود. ماده فوق الذکر جهت مطالعه و تطبیق، ذیلاً مرقوم می گردد. ماده ۶۴۴- کسانی که عالماً مرتکب یکی از اعمال زیر شوند به حبس از شش ماه تا دو سال و یا از سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم میشوند:

- ۱- هر زنی که در قید زوجیت یا عده دیگری است خود را به عقد دیگری درآورد در صورتیکه منجر به واقعه نگردد.
- ۲- هر کسی که زن شوهردار یا زنی را که در عده دیگری است برای خود تزویج نماید در صورتیکه منتهی به واقعه نگردد.

نکته قابل تامل در مورد دو ماده فوق الذکر (مواد ۶۴۳ و ۶۴۴) آنکه این دو ماده در مورد دیگر افرادی که ممکن است در جلسه اجرای صیغه عقد نکاح حضور داشته و شاهد عقد نکاح مرد با زن در قید زوجیت یا عده دیگری باشند، حکمی ندارد (رهبر، ۱۳۸۸: ۴۹).

د- فریب در ازدواج

آخرین عنوان جزایی مقرر در قانون مجازات اسلامی که کماکان به قوت خود باقی است و نسخ نشده است، وصف کیفی مقرر در ماده ۶۴۷ قانون مزبور تحت عنوان فریب در ازدواج است. قانونگذار در این ماده برای زن یا مردی که طرف مقابل را به داشتن امور واهی مثل تحصیلات یا موقعیت اجتماعی خاص فریب دهد و عقد ازدواج بر مبنای آن واقع شود، مجازات در نظر گرفته است.

جوهر روابط سالم میان زن و شوهر صداقت است. صداقت اعتماد را بنیان می‌نهد. زوج یا زوجه‌ای که در بدو تشکیل زندگی با همسر خود صادق نیست، با رفتار خود کانون خانواده را دچار تزلزل می‌کند. امروزه سلامت جامعه در معرض آسیب‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... می‌باشد. گاهی این آسیب‌ها هر دو جنس مرد و زن را شامل می‌شود اما گاه یکی از این دو را در معرض خطر قرار می‌دهد. از جمله این آسیب‌ها می‌توان به رواج فریب در روابط افراد با یکدیگر به ویژه زن و شوهر اشاره کرد. تدلیس در نکاح به مفهوم اثبات صفات مطلوب یا رفع عیوب به صورت دروغین، از جمله عوامل فروپاشی نظام خانواده و تیرگی روابط زوجین است. اساساً ساحت خانواده، بسیار با ارزش‌تر از آن است که با رفتارهای فریبکارانه و دروغ، لکه دار گردد (ولیدی، ۱۳۷۷: ۳۲).

نکته ای که در رابطه با ماده فوق الذکر وجود دارد این است که به دلالت منطقی کلمات " از قبیل " و " امثال آن " موارد و مصادیق ذکر شده در ماده تمثیلی بوده و حصری نیستند؛ بنابراین چنانچه فردی طرف مقابل را به اموری غیر آنچه در ماده مزبور آمده است فریب دهد و عقد بر مبنای آن واقع گردد، مرتکب جرم فریب در ازدواج شده است.

نکته دیگر آن که از منطوق ماده بر می‌آید؛ فریب در ازدواج فقط با فعل مثبت مادی به صورت یک اقدام متقابلانه، نظیر آنچه در جرم کلاهبرداری اتفاق می‌افتد رخ می‌دهد (آیت‌اللهی، ۱۳۸۱: ۱۲).

ماده فوق الذکر جهت مطالعه و تطبیق، ذیلاً مرقوم می‌گردد.

ماده ۶۴۷- چنانچه هر یک از زوجین قبل از عقد ازدواج طرف خود را به امور واهی از قبیل داشتن تحصیلات عالی، تکمیل مالی، موقعیت اجتماعی، شغل و سمت خاص، تجرد و امثال آن فریب دهد و عقد بر مبنای هر یک از آنها واقع شود مرتکب به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال محکوم می‌گردد.

مبحث سوم

عناوین جزایی موضوع قانون حمایت خانواده

الف- عدم ثبت وقایع مربوط به نکاح، طلاق، فسخ و رجوع در دفاتر رسمی

این وصف جزایی که در ماده ۴۹ قانون حمایت خانواده پیش بینی شده است شامل موارد ذیل است:

۱- عدم ثبت نکاح (ازدواج) دائم

۲- عدم ثبت طلاق

۳- عدم ثبت فسخ نکاح

۴- عدم ثبت رجوع ظرف مدت یک ماه

۵- عدم ثبت نکاح موقت در موارد الزامی

۶- استنکاف از ثبت انفساخ نکاح و اعلام بطلان نکاح یا طلاق

موضوع جرم مذکور اساس و کیان خانواده است، قانونگذار نیز فقط به منظور حفظ کیان خانواده زوج را مکلف به ثبت رسانیدن واقعه ی ازدواج دائم نموده است والا شرعاً نیازی به ثبت رسانیدن آنها نمی باشد و تنها به ایجاب و قبول واقع می شود (شکری و سیروس، ۱۳۸۳: ۶۷۵).

علاوه بر آن در شرع و سیره معصومین، زوجین ملزم به رعایت حسن معاشرت و نکات اخلاقی با یکدیگر در جهت استحکام خانواده هستند و موردی که اشاره به ثبت ازدواج در راستای استحکام خانواده باشد یافت نشد. و از آنجا که قانون برخاسته از فقه وزین و ارزشمند ماست، جرم دانستن عدم ثبت ازدواج در قانون، برخلاف آموزه های فقهی است و نمی توان آن را از احکام ثانویه دانست زیرا ثبت ازدواج یک مقوله فردی و ناظر بر احوال شخصیه است که حکم اولیه آن عدم وجوب ثبت ازدواج است و حال اگر بر اثر شرایطی هم جزء احکام ثانوی قرار بگیرد دال بر آن نمی شود که عدم ثبت آن جرم باشد (صحرانشین سامانی، ۱۳۹۶: ۱۰)

مطابق ماده ۴۹ قانون حمایت خانواده این وصف جزایی صرفاً شامل زوج است و زوجه را در بر نخواهد گرفت؛ به بیان دیگر امکان ارتکاب آن توسط زوجه منتفی است.

ماده فوق الذکر جهت مطالعه و تطبیق، ذیلا مرقوم می گردد.

ماده ۴۹- چنانچه مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی به ازدواج دائم، طلاق یا فسخ نکاح اقدام یا پس از رجوع تا یک ماه از ثبت آن خودداری یا در مواردی که ثبت نکاح موقت الزامی است از ثبت آن امتناع کند، ضمن الزام به ثبت واقعه به پرداخت جزای نقدی درجه پنج و یا حبس تعزیری درجه هفت محکوم می شود. این مجازات در مورد مردی که از ثبت انفساخ نکاح و اعلام بطلان نکاح یا طلاق استنکاف کند نیز مقرر است.

ب- ازدواج با دختر زیر ۱۳ سال

عنوان جزایی مذکور در ماده ۵۰ قانون حمایت خانواده همانند ماده ۴۹ شامل مردان بوده و این جرم قابل ارتکاب از سوی زنان نیست؛ به بیان روشن تر و به عنوان مثال چنانچه زنی با پسری ۱۲ ساله ازدواج نماید مشمول عنوان جزایی مذکور در ماده فوق نخواهد بود. البته عدم وصف جزایی در این مورد صرفا ناظر به انعقاد عقد نکاح است و چنانچه رابطه ای با وی برقرار نماید حسب مورد می تواند واجد وصف مجرمانه مستقلا باشد.

برای بررسی و مطالعه این عنوان مجرمانه، با توجه به ارجاع قانونگذار در ماده ۵۰ به ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی ذیلا هر دو ماده آورده می شود.

ماده ۵۰ قانون حمایت خانواده- هرگاه مردی برخلاف مقررات ماده (۱۰۴۱) قانون مدنی ازدواج کند، به حبس تعزیری درجه شش محکوم می شود. هرگاه ازدواج مذکور به موافقه منتهی به نقص عضو یا مرض دائم زن منجر گردد، زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه پنج و اگر به موافقه منتهی به فوت زن منجر شود، زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه چهار محکوم می شود.

تبصره - هرگاه ولی قهری، مادر، سرپرست قانونی یا مسؤول نگهداری و مراقبت و تربیت زوجه در ارتکاب جرم موضوع این ماده تأثیر مستقیم داشته باشند به حبس تعزیری درجه شش محکوم می شوند. این حکم در مورد عاقد نیز مقرر است.

ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی- عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح. نکته قابل توجه آنکه جهت عدم شمول ماده ۵۰، وجود هر سه شرط مقرر در ماده ۱۰۴۱ الزامی بوده و بنابراین هم اذن ولی و هم رعایت مصلحت و هم تشخیص دادگاه صالح در وقوع یا عدم وقوع بزه مذکور موثر است.

ج- ازدواج مرد خارجی با زن ایرانی بدون اجازه دولت

قانونگذار در ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی را موقوف به اجازه خاص دولت کرده است؛ فارغ از آنکه مقنن، ضمانت اجرای حقوقی ازدواج با مردان خارجی (بدون اجازه دولت) را مشخص ننموده و این یک خلاء قانونی محسوب می شود؛ در ماده ۵۱ قانون حمایت خانواده این گونه ازدواج ها را مستوجب مجازات مرد خارجی دانسته است. بنابراین عنوان جزایی مذکور در ماده ۵۱ هم صرفا شامل مرد خارجی است و متوجه زن ایرانی نیست.

نکته قابل تامل آنکه به جهت اطلاق عبارت ماده مزبور، تفاوتی بین مرد مسلمان خارجی و یا مرد غیر مسلمان خارجی وجود نداشته و این عنوان جزایی شامل هر دو مورد می شود.

مواد فوق الذکر جهت مطالعه و تطبیق، ذیلا مرقوم می گردد.

ماده ۵۱ قانون حمایت خانواده - هر فرد خارجی که بدون اخذ اجازه مذکور در ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی و یا بر خلاف سایر مقررات قانونی با زن ایرانی ازدواج کند به حبس تعزیری درجه پنج محکوم می شود.

ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی- ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجه در مواردی هم که مانع قانونی ندارد موقوف به اجازه مخصوص از طرف دولت است.

د- انکار یا ادعای بلاوجه زوجیت

قانونگذار برای زن یا مردی که در دادگاه بر خلاف واقع و بدون اساس منکر زوجیت با فردی شود که فی الواقع علقه زوجیت بین آنها برقرار است و یا مدعی زوجیت شود در حالیکه هیچ گونه علقه زوجیت بین آنها برقرار نیست، وصف مجرمانه در

نظر گرفته و این فعل را جرم انگاری کرده است. در رابطه با ماده ۵۲ قانون حمایت خانواده که به جرم انگاری رفتار فوق الذکر پرداخته است ذکر چند نکته ضروری است؛ فلذا ابتدا عین ماده و سپس نکات را مطرح می‌نمایم.

ماده ۵۲ قانون حمایت خانواده- هرکس در دادگاه زوجیت را انکار کند و سپس ثابت شود این انکار بی‌اساس بوده است یا برخلاف واقع با طرح شکایت کیفری یا دعوای حقوقی مدعی زوجیت با دیگری شود به حبس تعزیری درجه شش و یا جزای نقدی درجه شش محکوم می‌شود.

این حکم درمورد قائم مقام قانونی اشخاص مذکور نیز که با وجود علم به زوجیت، آن را در دادگاه انکار کند یا علی‌رغم علم به عدم زوجیت با طرح شکایت کیفری یا دعوای حقوقی مدعی زوجیت گردد، جاری است.

نکته اول: اینکه ادعا ویا انکار زوجیت باید در دادگاه صورت پذیرد؛ فلذا چنانچه خارج دادگاه ولو در ادارات دولتی و دستگاه های اجرایی دیگر مطرح شود نمی‌تواند مصداق این بزه باشد.

نکته دوم: تفاوتی است که قانونگذار بین انکار و ادعا قائل شده است؛ به این معنا که برای تحقق بزه مزبور، انکار در دادگاه کفایت می‌کند لیکن ادعای زوجیت باید از طریق طرح شکایت کیفری و یا دعوای حقوقی مطرح شود و صرف ادعای زوجیت در دادگاه بدون طرح شکایت و دعوا موجبات تحقق جرم را فراهم نمی‌نماید و این استنباط صرفنظر از اینکه با دقت در منطوق ماده به دست می‌آید با اصل تفسیر مضیق قوانین جزایی و همچنین اصل تفسیر به نفع متهم نیز سازگاری کامل دارد.

نکته سوم: با عنایت به قسمت اخیر ماده، این عنوان جزایی، قابل تسری به قائم مقام اشخاص مذکور در صدر ماده ۵۲ نیز است.

ه- ترک انفاق

این جرم هم شامل ترک انفاق زوجه است و هم شامل ترک انفاق سایر اشخاص واجب‌النفقه. برای تحقق جرم ترک انفاق زوجه وجود شرایط ذیل ضروری است:

۱- استطاعت مالی زوج

۲- تمکین زوجه

برای تحقق این بزه در مورد سایر اشخاص واجب‌النفقه صرف استطاعت مالی کفایت می‌کند و قانونگذار شرط دیگری را پیش بینی نکرده است. بنابراین چنانچه مردی در شرایط تمکن و استطاعت مالی مخارج ضروری فرزندان واجب‌النفقه خود را نپردازد، مرتکب جرم ترک انفاق شده است.

به جهت اهمیت موضوع و ابهامات جدی که در رابطه با جرم ترک انفاق مطرح است و این ابهامات از طریق پرسش از اداره کل حقوقی قوه قضائیه مرتفع گردیده است، متن سوالات و پاسخ های مربوط به آنها ذیلا آورده می‌شود.

سوال اول: آیا رسیدگی به دعوای مطالبه نفقه ضمن شکایت کیفری ترک انفاق در دادگاه کیفری دو امکان پذیر است یا اینکه سالبه نفقه صرفاً در صلاحیت دادگاه حقوقی و شورای حل اختلاف است؟

نظریه شماره 1398/96/7 مورخ 1396/06/19

ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده " ترک انفاق زوجه از سوی زوج " را جرم انگاری کرده است و رسیدگی به این جرم و متفرعات آن از جمله ضرر و زیان ناشی از جرم تابع عمومات مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری است. بنابراین، دادگاه جزایی به نسبت مدت زمانی که بزه ترک انفاق را محرز تشخیص دهد، مجاز به رسیدگی و صدور حکم در ارتباط با ضرر و زیان ناشی از جرم (نفقه پرداخت نشده) می‌باشد.

سوال دوم: آیا موضوع جرم ترک انفاق شامل نفقه ایام گذشته زوجه می‌شود؟

نظریه شماره 7/98/979 مورخ 1398/07/14

موضوع جرم ترک انفاق در ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، «نفقه حال» زوجه است و مطالبه نفقه ایام گذشته که صرفاً واجد ضمانت اجرای حقوقی است، مستلزم تقدیم دادخواست می‌باشد.

سوال سوم: چنانچه حکم تمکین زوجه صادر شده باشد آیا زوجه می‌تواند اقدام به شکایت ترک انفاق نماید؟

نظریه شماره 579/95/7 مورخ 1395/03/17

نظر به اینکه امر تمکین و نشوز از امور مستحدثه می باشد، هر چند قبلاً حکم تمکین زوجه صادر گردیده است، ولی چون احتمال می رود که زوجه پس از صدور حکم تمکین از سوی دادگاه با توجه به مهیا بودن شرایط تمکین، مباردت به آن (تمکین) نموده باشد و نیز به لحاظ عدم همزمانی دو دعوی مطروحه از سوی زوجین (دعوی ترک انفاق از سوی زوجه و دعوی تمکین از سوی زوج) و اینکه در رسیدگی به پرونده مربوط به شکایت زوجه دائر بر ترک انفاق، وضعیت حال زوجه از حیث تمکین و وجود شرایط آن، مورد بررسی قرار می گیرد، بنابراین دعوی کیفری و شکایت زوجه مبنی بر ترک انفاق با وجود حکم قبلی تمکین، مسموع بوده و دادگاه کیفری مکلف به بررسی وضعیت فعلی زوجه از حیث تمکین در صورت مهیا نمودن شرایط آن از سوی زوج با رعایت ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ و ماده ۱۱۱۵ قانون مدنی است.

سوال چهارم: آیا ترک انفاق زوجه و سایر اشخاص واجب النفقه به صورت همزمان مشمول مقررات تعدد جرم است؟

نظریه شماره 7/98/657 مورخ 1398/06/05

با لحاظ رأی وحدت رویه شماره ۳۴ مورخ ۱۳۶۰/۸/۳۰، در حالتی که نفقه زوجه و اشخاص واجب النفقه که زندگی مشترکی دارند و معمولاً یکجا و بدون تفکیک سهم هر یک از آنان پرداخت می شود (مانند نفقه زوجه و اولاد)، ترک انفاق آنان (ترک انفاق زوجه و اشخاص واجب النفقه) ترک فعل واحد محسوب می شود و مشمول مقررات تعدد جرم نیست؛ اما در صورتی که محل زندگی آنان جدای از هم می باشد و سهم هر یک جداگانه پرداخت می شود، ترک نفقه هر یک از آنان جرم جداگانه ای محسوب و مشمول مقررات تعدد مادی است. طبق ماده ۴۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ (که جایگزین ماده منسوخه ۲۷۱ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری است) آراء وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور فقط به موجب قانون یا رأی وحدت رویه مؤخری که مطابق ماده ۴۷۱ این قانون صادر می شود، قابل تغییر است و تاکنون رأی وحدت رویه جدیدی مغایر با رأی وحدت رویه اشاره شده صادر نشده است و قانونی نیز مغایر با این رأی وحدت رویه به تصویب نرسیده است؛ لذا کماکان به قوت خود باقی می باشد.

سوال پنجم: منظور از عبارت "هرکس" مقرر در صدر ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده کیست؟

نظریه شماره 7/96/1772 مورخ 1396/08/02

منظور از «هرکس» در ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱، هر شخصی است که طبق قانون مدنی ملزم به انفاق است. طبق مواد ۱۱۹۵ و ۱۱۹۶ قانون مدنی، افراد واجب النفقه شامل زوجه و اقارب نسبی در خط عمودی، اعم از صعودی و نزولی است. بنابراین، ماده ۵۳ این قانون در قسمت نخست به بزه ترک انفاق نسبت به زوجه در صورت تمکین و در قسمت دوم به بزه ترک انفاق نسبت به اشخاص واجب النفقه غیر از زوجه در صورت ندادن آن ها اشاره می کند که در هر دو حالت، استطاعت شخص مکلف به انفاق، شرط تحقق بزه است. همچنین، توسعه بزه موضوع ماده ۵۳ یادشده در تبصره آن، به فرزندان ناشی از تلقیح مصنوعی و کودکان تحت سرپرستی خود، مؤید این است که اصل ماده در مقام حمایت کیفری از مطلق اشخاص واجب النفقه مذکور در قانون مدنی است؛ بنابراین، اگر جد پدری با داشتن توانایی مالی و با شرط ندادن فرزند فرزند، از دادن نفقه وی خودداری کند، مرتکب بزه ترک انفاق شده است.

سوال ششم: محل وقوع بزه ترک انفاق در مورد زوجینی که هنوز زندگی مشترک را شروع نکرده اند و در حوزه های

قضایی مختلف اقامت دارند کجاست؟ و...

نظریه شماره 7/97/1862 مورخ 1397/06/25

الف- در فرض استعلام که به لحاظ عدم شروع زندگی مشترک، هر یک از زوجین مطابق عقدنامه در حوزه های قضایی مختلف اقامت دارند و محل زندگی مشترک تعیین نشده است، در صورتی که زوج با وجود استطاعت مالی و استحقاق زوجه به دریافت نفقه، از پرداخت نفقه خودداری نموده باشد، با توجه به اینکه زوج مکلف است، نفقه زوجه را در محل اقامت زوجه پرداخت نماید، محل وقوع بزه ترک انفاق، محل اقامت زوجه است.

ب- منظور از هرکس در ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱، هر شخصی است که طبق قانون مدنی ملزم به انفاق

است و با توجه به ماده ۱۱۹۶ قانون مدنی، افراد واجب النفقه شامل پدر هم در صورت ندادن آن می شود؛ لذا ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ با توجه به فرض استعلام در صورت احراز واجب النفقه بودن، شامل پدر زوج هم می شود.

ب-۲- در مواردی که شخص از پرداخت نفقه اشخاص واجب النفقه خودداری می کند، مرجع قضایی صالح برای رسیدگی به بزه ترک انفاق مزبور، مرجعی است که شخص واجب النفقه در حوزه آن اقامت دارد.

سوال هفتم: جرائم مستمر قابل گذشت مثل تصرف عدوانی و ترک نفقه که رفتار مجرمانه منقطع نشده است و رفتار مجرمانه استمرار دارد چنانچه متضرر از جرم بعد از یک سال از تاریخ اطلاع از وقوع جرم شکایت کند آیا موضوع مشمول ماده ۱۰۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می گردد؟
نظریه شماره 796/95/7 مورخ 1395/04/02

سقوط حق شکایت کیفری مذکور در ماده ۱۰۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، منصرف به جرائم آنی است، نه جرائم مستمر؛ بنابراین درجایی نظیر ترک انفاق و تصرف عدوانی، مادام که مرتکب در حال ارتکاب عنصر مادی جرم است، حق تعقیب کیفری برای شاکی و متضرر از جرم، کماکان باقی است و مشمول مرور زمان تعقیب شکایت به استناد ماده مرقوم در فوق نمی گردد.

ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده نیز جهت مطالعه و تطبیق، ذیلا مرقوم می گردد.
ماده ۵۳- هر کس با داشتن استطاعت مالی، نفقه زن خود را در صورت تمکین او ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب النفقه امتناع کند به حبس تعزیری درجه شش محکوم می شود. تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت گذشت وی از شکایت در هر زمان تعقیب جزائی یا اجرای مجازات موقوف می شود.
تبصره - امتناع از پرداخت نفقه زوجه ای که به موجب قانون مجاز به عدم تمکین است و نیز نفقه فرزندان ناشی از تلقیح مصنوعی یا کودکان تحت سرپرستی مشمول مقررات این ماده است.

و- جرایم مرتبط با حضانت طفل

ماده ۵۴ قانون حمایت خانواده در مقام بیان عنوان مجرمانه ای است که اگرچه ظاهرا با دو رویکرد مطرح شده است لیکن در واقع یک رویکرد دارد و آن هم عدم انجام تکالیف مقرر در خصوص حضانت طفل از سوی مسئول حضانت است. به بیان واضح تر، آنجا که قانونگذار می گوید: مانع ملاقات طفل با اشخاص ذی حق شود؛ این عبارت هم داخل در عبارت نخست قانونگذار بوده و از مصادیق "عدم انجام تکالیف مقرر" است؛ فلذا عدم انجام تکالیف مقرر شامل ممانعت ملاقات طفل با اشخاص ذی حق هم می شود لیکن احتمالا قانونگذار برای تاکید بیشتر این موضوع را به صورت مستقل بیان نموده است.
ماده ۵۴ قانون حمایت خانواده جهت مطالعه و تطبیق، ذیلا مرقوم می گردد.

ماده ۵۴- هرگاه مسؤول حضانت از انجام تکالیف مقرر خودداری کند یا مانع ملاقات طفل با اشخاص ذی حق شود، برای بار اول به پرداخت جزای نقدی درجه هشت و در صورت تکرار به حداکثر مجازات مذکور محکوم می شود.

ز- جرایم موضوع مواد ۵۵ و ۵۶ قانون حمایت خانواده

قانونگذار در مواد ۵۵ و ۵۶ قانون حمایت خانواده به عناوین مجرمانه پزشک و سردفتری می پردازد که به وظایف و تکالیف قانونی خود را در رابطه با امور مربوط به نظام حقوق خانواده عمل ننموده اند.

به جهت این که این قسمت از بحث، به لحاظ حقوقی از اهمیت کمتری برخوردار بوده و برای رعایت ایجاز در کلام و جلوگیری از طولانی شدن بحث، صرفا مواد ۵۵ و ۵۶ قانون حمایت خانواده جهت مطالعه و تطبیق، ذیلا مرقوم می گردد.

ماده ۵۵- هر پزشکی که عمداً بر خلاف واقع گواهی موضوع مواد (۲۳) و (۳۱) این قانون را صادر یا با سوءنیت از دادن گواهی مذکور خودداری کند، بار اول به محرومیت درجه شش موضوع قانون مجازات اسلامی از اشتغال به طبابت و بار دوم و بالاتر به حداکثر مجازات مذکور محکوم می شود.

ماده ۵۶- هر سردفتر رسمی که بدون اخذ گواهی موضوع مواد (۲۳) و (۳۱) این قانون یا بدون اخذ اجازه نامه مذکور در ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی یا حکم صادر شده در مورد تجویز ازدواج مجدد یا برخلاف مقررات ماده (۱۰۴۱) قانون مدنی به ثبت ازدواج اقدام کند یا بدون حکم دادگاه یا گواهی عدم امکان سازش یا گواهی موضوع ماده (۴۰) این قانون یا حکم تنفیذ راجع به احکام خارجی به ثبت هریک از موجبات انحلال نکاح یا اعلام بطلان نکاح یا طلاق مبادرت کند، به محرومیت درجه چهار موضوع قانون مجازات اسلامی از اشتغال به سردفتری محکوم می شود.

نتیجه گیری

قانونگذار در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ و همچنین در قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، برای عدم انجام تکالیف خانوادگی بخش خاصی را تحت عنوان **جرایم بر ضد حقوق و تکالیف خانوادگی** (فصل نوزدهم از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی) و **مقررات کیفری** (فصل هفتم قانون حمایت خانواده) پیش بینی نموده است و مجازات تعیین کرده است. فارغ از اینکه تصمیم قانونگذار در این رابطه تا چه میزان مطابق اصول و قواعد علم جرم شناسی است مطابق بررسی های صورت گرفته در این تحقیق دریافتیم که گستره جرایم مورد نظر مقنن در حقوق خانواده، شامل همه کسانی است که به نوعی با این نظام حقوقی گره خورده اند. حتی سردفتر ازدواج و طلاق و یا پزشک مرتبط با موضوع می تواند در معرض اتهام و ارتکاب جرایم حقوق خانواده شود.

پیشنهاد نگارنده به محققان و پژوهشگران این حوزه، آن است که موضوع مجازات و ضمانت اجرای کیفری در نظام حقوق خانواده را با نگاهی جرم شناسانه و نقادانه مورد بررسی قرار داده و اساسا به این پرسش، پاسخ دهند که آیا تصمیم مقنن در خصوص پیش بینی مجازات در نظام حقوق خانواده تصمیم درستی است؟ و آیا این تصمیم موجب استحکام نهاد خانواده خواهد شد؟ و اگر معتقدند قانونگذار در قسمت هایی به درستی عمل کرده و در قسمت هایی تصمیمات درستی اتخاذ نموده است، موضوع را مورد دقت و بررسی قرار داده و نتایج حاصله را در اختیار سایر محققان و پژوهشگران قرار دهند. پیشنهاد دیگر بررسی هریک از عناوین مجرمانه پیش بینی شده در نظام حقوق خانواده به صورت مجزا و مفصل است که خالی از لطف نخواهد بود.

منابع و مراجع

- [۱] آیت‌اللهی، زهرا (۱۳۸۱). آثار فقهی - حقوقی فریب در ازدواج، فصلنامه کتاب زنان، سال پنجم، شماره ۱۹.
- [۲] رهبر، محمدرضا (۱۳۸۸). حمایت کیفری از کیان خانواده، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه بهشتی.
- [۳] شکری، رضا، و سیروس، قادر (۱۳۸۳). قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، انتشارات مهاجر، تهران، چاپ سوم.
- [۴] صحرا نشین سامانی، سهیلا (۱۳۹۶). جرم‌انگاری عدم ثبت ازدواج در آئینه فقه و حقوق اسلامی، اولین کنفرانس پژوهش در فقه، حقوق و علوم اسلامی.
- [۵] ولیدی، محمد صالح (۱۳۷۷). جرائم علیه حقوق و تکالیف خانوادگی، تهران: نشر داد، چاپ اول.
- [۶] قانون مدنی
- [۷] قانون مجازات اسلامی
- [۸] قانون حمایت خانواده
- [۹] نظریات مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه